

سیری بر عناصر کالبدی و فضایی معماری سنتی و معاصر شهر اردبیل و تأثیر آن بر حس تعلق مکانی شهروندان

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۰۳

کد مقاله: ۶۰۰۵۰

بهرام جعفری^{*۱}

چکیده

منظر و سیمای شهری در چشم شهروندان به‌عنوان هویت و نمود شاخص و اصالت یک شهر می‌تواند بیان شود از این رو و به این اعتبار هست که حس تعلق مکانی در یک فرد که نسبت به شخصیت و روحیات وی ایجاد شده است می‌تواند بیانگر میزان غنای هویت‌های معماری لحاظ گردد کما اینکه در دوران معاصر و پس از چالش‌های مهم فرهنگی و اجتماعی حاکم بر آن و سیطره تفکرات تکثرگرا و گاهی بی‌هویتی آثار بر این رویه اثراتی پیچیده و گاه مبهم داشته است سیمای بصری شهرها به‌وسیله نظام پیچیده‌ای از نشانه‌ها، ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع شکل می‌گیرد و در فرایند تعامل میان انسان و شهر، محیط بصری به‌مثابه فصل مشترک این دو، زمینه ادراک، شناخت و ارزیابی محیطی شهروندان و بازدیدکنندگان را فراهم می‌آورد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل رابطه بین سیمای بصری شهر و رفتار شهروندان با تأکید بر شهر اردبیل می‌باشد. نوع تحقیق کاربردی و رویکرد حاکم بر فضای تحقیق توصیفی-تحلیلی و همبستگی می‌باشد. براین اساس مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی و پرسشنامه‌ها مردمی به‌عنوان روش تحقیق مدنظر می‌باشد. این پژوهش بر آن است تا بتواند با بررسی و تطبیق بافت‌های سنتی و معاصر شهر اردبیل نسبت به میزان ایجاد، تقویت و اهمیت حس تعلق مکانی در یک شهروند با توجه به چالش‌های اجتماعی فرهنگی قدیمی برداشته و در خصوص تبیین و تشخیص نمودهای معمارانه سنتی و معاصر و تأثیرات آن بر ایجاد حس تعلق مکانی به کمک مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای و پس از تحلیل و تجزیه مطالب گردآوری شده نتیجه و برآیندی ارائه دهد.

واژگان کلیدی: اردبیل، حس تعلق، حس مکان، هویت، بافت شهری، معماری شهری

۱- مقدمه

شهر اردبیل با سابقه چند هزارساله از اولین و یکی از مهم‌ترین مناطق شهرنشینی در کشور ایران بوده است و توجه به تاریخ و هویت‌های جمعی و اجتماعی و کالبدی شهری آن بایستی مدنظر شهروندان و علاقه‌مندان این شهر باشد در این مقاله و با توجه به نیاز امروزی جامعه معاصر در خصوص معرفی و تشخیص قابلیت‌ها و پتانسیل‌های شهری در جامعه معماری و شهری حال حاضر شهر اردبیل این مقاله برآنست تا بتواند با بررسی و تبیین مؤلفه‌های حس تعلق مکانی و ارزش‌های ماندگار بافت شهری اردبیل نسبت به کنکاش رابطه این دو مورد بحث و در نهایت با تجزیه و تحلیل تطبیقی و ارزیابی کیفی و ارائه پرسشنامه در بین دانشجویان و مردم عادی از جنبه‌های روان‌شناختی نیز بررسی و تحلیلی گردد که بتواند در نهایت با ارائه جمع‌بندی در این خصوص به نتایج دست‌یافته اعلام شود. با توجه به بحران عدم هویت‌مندی جوامع معاصر که موجب کثیری از مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شده است و می‌توان آنرا به عنوان یکی از ویژگی‌های نفوذ مدنی‌زاسیون در دوران معاصر دانست و معماری را به‌عنوان یکی از عناصر فرهنگ ساز خصوصا با نگاهی به رابطه بین سیمای شهری و حس تعلق مکانی ضروری ست که در این خصوص مطالعات و پژوهش‌های مدنظر باشد و این مهم بر عهده علاقه‌مندان و دانشجویان این رشته و رشته‌های مربوط می‌باشد.

پژوهش حاضر با توجه به عنوان و عرائض بیان شده می‌تواند میزان اهمیت این مهم در دوران معاصر را بازگو کند و سعی دارد تا بتواند با ایجاد علاقه ی در خصوص حس تعلق مکانی و رابطه آن با سیمای شهری و خصوصا تفاوت‌های میان دوران سنتی و دوران معاصر در دانشجویان و علاقه‌مندان این رشته و با هدف قراردادن عناوینی مانند:

الف- بازیابی و کنکاش در مورد اصول و مولفه‌ها ی نمای شهری و سیمای بصری شهر اردبیل در طول دوران سنتی و معاصر

ب- واکاوی و کشف وجه تمایز و تفاوت‌های سیمای بصری سنتی و معاصر

ج- تبیین و تدوین اصولی که بتواند در خصوص طراحی سیمای شهری در دوران معاصر با استفاده از اصول و مبانی طراحی

سنتی

و- با طرح این سوال که در دوران معاصر و دوران سنتی خصوصا در شهر اردبیل ارتباط بین سیمای بصری شهر و بافت حاکم بر مناطق مسکونی چگونه رابطه ی بوده است اقدام به ارائه مطالب حاضر نموده ایم.

۱-۱- روش تحقیق

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت عنوان نیازمند مطالعات میدانی و تاریخی و جستجوی مبانی طراحی با استفاده از مطالعات کتابخانه ی و مشاهدات میدانی در بافت شهری اردبیل و همچنین ترسیم کروکی‌های در خصوص تفاوت‌های این بافتها و در نهایت با استفاده از روش تجزیه و تحلیل منطقی و تطابقی میان آنها در خصوص ارائه نتیجه آن می‌تواند مورد استفاده واقع شود.

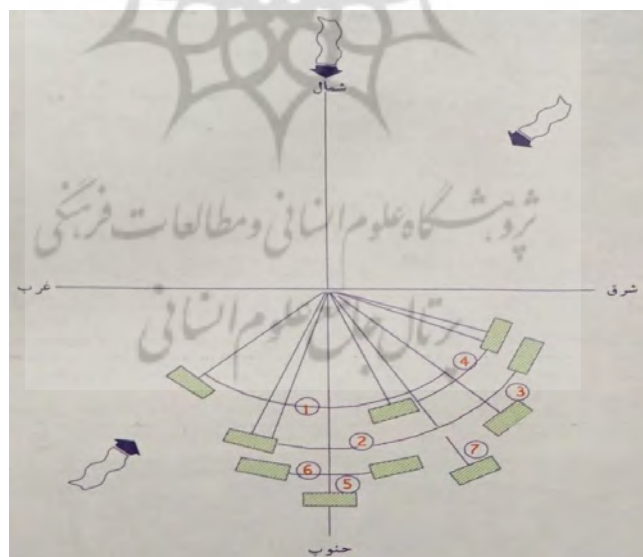
۲- شهر اردبیل، اقلیم، بافت شهری

اردبیل شهر مقدس، لایق ترین و بارزترین تعریف در خصوص نامگذاری آن می‌تواند عنوان شود شهر اردبیل با طول عمری بیش از ۸ هزار سال یکی از اولین مکانهای شهر نشینی در فلات ایران بوده است و همواره در طول تاریخ نقشی بسیار مهم در رویداد های تاریخی داشته و قهرمانانی از این خاک و بوم در جهت خدمت به خاک و وطن از آن رهسپار شده اند وسعت این شهر به تنهایی و بع غیر از شهرستانهای تابعه به ۳۸۱۰ کیلو متر مربع میرسد و چهره و نمای بصری شهر از هر نقطه ی که در آن حضور داشته باشین متأثر از قله سلزان ساوالان و رشته کوههای متصل به آن است رشته های کوههای مانند باغرو و بزغوش که شهر را به مثابه اغوشی خشن و در بیشتر اوقات سال پوشیده از برف میتوان تصور کرد موقعیتی که سبب ایجاد اب و هوای با تغییرات دمای قابل توجه از ۲۰-۳۰ درجه زیر صفر و یخبندان تا ۳۰-۴۰ درجه بالای صفر و هوای متبوع به همراه نسیم های معطر کوهستانی شده است شهر اردبیل با توجه به این تغییرات دارای تابستانهای ملایم و خنک و دلنشین و زمستانهای سرد و دارای بخبندانهای طولانی خصوصا در مناطق کوهستانی میباشد. این مهم به مثابه تمامی نقاط دیگر کشور ایران در حیطه معماری موجب پدیدار شدن خط فکری و مبانی طراحی معمارانه ی شده است که همواره اقلیم و این تفاوتها و تغییرات دمایی در شکل گیری فرمال و فضایی و حتی ارتباطی عناصر معماری نقش مهمی داشته است؛ و همین مبانی طراحی در شهر اردبیل از همان دوران هشت هزار ساله قبل همواره موجب خلقت آثار معماری شده است که دارای عناصر تشکیل دهنده پایداری بمانند حیات مرکزی، استفاده حداکثری از نور خورشید، جهت های قرارگیری مشخص، مصالح بوم آورد با توان حرارتی بالا و همچنین سیرکولاسیون ارتباطی کاملا منتطبق بر اقلیم و فرهنگهای بومی منطقه موجب گردیده است.

۲-۱- اقلیم

با توجه به تعاریف پیشین در ادامه و با توجه به اهمیت اقلیم در معماری شهر اردبیل که متأثر از فرهنگ و هنر معمارانه چندین هزار ساله کشور ایران و خصوصا هنرمندان شهر اردبیل میباشد ابتدا در خصوص اقلیم بایستی عنوان کرد: اردبیل با واقع شدن در دامنه کوه مرتفع سیلان با ارتفاع ۱۳۵۰ متر و با فاصله کم از بندر آستارا با ارتفاع ۳۰ - به منزله دامنه وسیع کوه مرتفعی مشرف بر دریاست که دارای اقلیم مناطق فوقانی از یک طرف و تأثیرپذیر از مناطق بحری از طرف دیگر است (شهبازی، ۱۳۷۲، ۳۴) شهرستان اردبیل بطور میانگین دارای چهار اقلیم مدیترانه‌ای گرم، مدیترانه‌ای معتدل، کوهستانی سرد و معتدل است. این شهرستان به عنوان یکی از مناطق سردسیر ایران و استان بین پنج تا هشت ماه از سال سرد است. بارندگی نیز در تمام فصول وجود دارد، ولی شدت آن در بهار و پاییز بیشتر است. براساس گزارش ایستگاه هواشناسی اردبیل که در ارتفاع ۱۳۶۰ متری واقع شده، بارندگی این شهر در سال حدودا برابر ۳۰۰ میلی‌متر گزارش شده است. این شهرستان دارای زمستان‌های بسیار سرد و تابستان‌های معتدل است. متوسط درجه حرارت آن در حدود هفت درجه سانتی‌گراد است. وجود کوهستان‌های سیلان، تالش و بزغوش، تأثیر بخارهای دریای خزر و بادهای سرد شمالی و وجود جنگل‌های شمال و شرق آن در میزان بارندگی و نوسان دمای شهرستان اردبیل بسیار مؤثر است.

اردبیل در یک منطقه کوهستانی قرار دارد و محاصره در بین قلال مرتفع و متمایزی که از بارزترین آنها قله سلطان ساوالان میباشد. ساوالان بنا به روایت برخی اسناد تاریخی محل ظهور زرتشت و حذاق، محل تقریر و تحریر اوستا کتاب مقدس زرتشت است، این مشخصه، یکی از نشانه‌های تاریخی بر جغرافیای اردبیل محسوب میشود. از سوی دیگر، هیچ نشانه‌ای نمیتواند از اثر معماری دلالت تاریخی داشته باشد و لذا به تبع همان روایات، لازم است آثار معماری در جغرافیای اردبیل برجسته شوند تا صحت و سقم مطلب اثبات شود (بافت سنتی و تاریخی و همچنین وجود مناطقی مانند شهر یری و همچنین وجه تمسیه و نامگذاری محلات و حتی خود شهر اردبیل می‌تواند در این خصوص مورد توجه باشد). نکته قابل تاملی که از جغرافیای طبیعی استان استنباط می‌شود ممکن است عاملی و ترجیحا یک عامل امنیتی، در شکل‌گیری شهر در نظر گرفته شود، به طوری که بافت تو در تو و حلقوی اردبیل در ابتدا از همین موقعیت - به علاوه سایر عوامل تأثیر گذاری - تأثیر پذیرفته است و هم اکنون نیز توسعه‌های جدید تقریبا از آن قاعده، البته به صورت شکلی، تبعیت می‌کنند. ارتفاع شهر از سطح دریا ۱۳۶۰ متر است و اگر چه شهر بر دست واقع است موقعیت دشتی آن نیز ناهمواریهای دارد که موجب شده تا سطح تراز شهر متغیر، مثلا ۱۳۴۲ متر در محله پیر شمس الدین (شرق بافت سنتیو هسته اولیه) و ۱۳۵۶ متر در بازار (غرب بافت سنتی و هسته اولیه شهر) باشد.



تصویر ۱- خصوصیات عوامل اقلیمی شهر اردبیل. (منبع امیری، ۱۳۸۴: ۱۳۱)

مشخصه دیگری که برای جغرافیای اردبیل می‌توان قائل شد وجود منابع آبی غنی (تحت و سطح الارضی) است که از جمله آن می‌توان رودخانه بالیقلی و رودخانه از بین رفته باغمیشه را نام برد (وجود دو رودخانه با انشعابات مختص کشاورزی برای روستاهای اطراف در شکل‌گیری بافت سنتی اردبیل تأثیری بسیاری داشته است که در دوران معاصر نیز همچنان این روند با وجود حذف یکی از آنها همچنان مؤثر است) که توأم با نهرهای انشعابی شان در شکل‌دهی و تعیین شکل ساختار و کالبد اردبیل تأثیر غیر قابل انکاری داشته‌اند؛ به طوری که در سایه جریان آب، موقعیت دشتی اردبیل به پهنه حاصلخیزی بدل شده و طبعاً

حاصلخیزی و امکان زراعت و باغها در انتخاب جایگاه شهر از دید امنیتی هم مولفه ای قوی و مهم به حساب می آید. ویژگی اقلیمی منطقه در پیروی از موقعیت کوهستانی، عرض جغرافیایی ۳۸ درجه و ۱۲ تا ۱۸ دقیقه و طول جغرافیایی ۴۸ درجه و ۱۵ تا ۲۰ دقیقه و ارتفاع از سطح دریا، عبارت است از آب و هوای سرد و نیمه خشک با بادهای نامطلوب زمستانی که از سمت شرق و شمال شرق می وزد و در شکلیابی و جهت نحوه استقرار ساختار شهر عاملی غیرقابل اغماض به شمار می آید (امیری، ۱۳۸۴: ۱۲۰) مشخصات اقلیمی شهر اردبیل طبق تصویر زیر می تواند جمع بندی گردد:

تصویر فوق در خصوص مشخصات اقلیمی شهر اردبیل که می تواند به عنوان ابزاری جهت طراحی اقلیم مند فضاهای معماری مورد استفاده واقع شود نشاندهنده دو جبهه غالب بادی که از دو سمت شمال شرقی (باد مه یلی: در تابستان خنک و در زمستان سرد و همیشه همراه با جبهه مه الود) و جنوب غربی (باد گرمیج: در زمستان ملایم و گرما بخش و در تابستان گرم و خشک همراه با گرد و غبار) در طول در سال در شهر اردبیل جریان دارند.

وزش باد های غالب در شهر اردبیل در شهرسازی سنتی بجهت آب کردن یخ های زمستانی که با توجه به زمستانهای جان سوز قدیمی اردبیل یکی از تکنیک های شهرسازی مختص شهر اردبیل میباشد که در دوران کنونی می تواند از مبانی طراحی معماری پایدار لحاظ گردد و همچنین ۷ موقعیت و جهت قرارگیری پیشنهادی فضا های شهری طبق جدول زیر میباشد:

جدول ۱- هفت موقعیت و جهت گیری پیشنهادی فضاهای شهری

ردیف	عنوان
۱	۳۰ درجه غربی - مناسبترین جهت در رابطه با تابش آفتاب
۲	۲۰-۶۵ درجه غربی جهت های قابل قبول در رابطه با تابش آفتاب
۳	۴۵ درجه غربی مناسبترین جهت در رابطه با وزش بادهای سرد
۴	۲۰-۷۰ درجه غربی جهت های قابل قبول در رابطه با وزش بادهای سرد
۵	عالی ترین جهت در رابطه با تامین ساعات آفتابی در فضا های داخلی خصوصا در زمستان (شمالی جنوبی)
۶	۱۵ درجه غربی تا ۱۵ درجه شرقی جهت های مناسب در رابطه با تامین ساعات آفتابی در فضا های داخلی خصوصا در زمستان
۷	۴۵ درجه غربی تا ۴۵ درجه شرقی جهت های قابل قبول در رابطه با تامین ساعات آفتابی در فضاهای داخلی

منبع: (امیری، ۱۳۸۴، ۱۳۳)

اقلیم شهر اردبیل موجب پدیدار شدن بسیاری از ابنیه معماری شهر اردبیل واقع شده است و این امر با توجه به دمای متغیر در طول سال برای یک سازه معماری یک الویت اقتصادی و اسایشی و رفاهی می تواند لحاظ گردد لذا در دوران کنونی و با توجه به دغدغه ها و مشکلات اقتصادی و رفاهی که در سطح جامعه بسیار مشهود و تا به اکنون حل نشدنی بنظر رسیده است می تواند به عنوان یکی از راه حل های مشکلات و معضلات اقتصادی و رفاهی جامعه کنونی لحاظ گردد کماینکه معماری جهان نیز با هر سبک و روشی و ذیل هر گونه مبانی بومی و فرهنگی و یا بین المللی و استانداردها، ناچار به گرایش به سمت آن دارد یعنی معماری پایدار. مولفه های معماری پایداری که در بناهای سنتی شهر اردبیل موجود میباشند طبق جدول زیر می تواند مورد توجه واقع شود:

جدول ۲- مولفه های معماری پایدار در بناهای سنتی شهر اردبیل (منبع: طالبی و اکبری، ۱۳۹۵: ۴-۵)

عوامل طراحانه	توضیحات	ویژگی های خانه های سنتی در اقلیم های سرد
حیاط مرکزی	خانه های سنتی به صورت حیاط مرکزی احداث می شود اما چون هوا در اغلب سال سرد و یا بسیار سرد است لذا اکثر فعالیت های روزمره در داخل اتاقها صورت می گیرد (قبادیان ۱۳۸۹).	
درونگرایی	استفاده از حیاط مرکزی ساتخمانها را درونگرا کرده و نسبت سطح پوسته خارجی بنا به حجم بنا کم می شود پوسته خارجی در حداث ارتباط با بیرون قرار می گیرد (کاهش نفوذ هوای گرم داخل به خارج)	
سقف مسطح	در زمستان که برف روی این سطح می نشیند به عنوان عایق حرارتی نقش خود را ایفا می کند و از اتلاف انرژی جلوگیری به عمل می آورد، همچنین در این حالت به نسبت حداکثر جذب انرژی صورت می گیرد (حریری، اسلامی ۱۳۹۲)	
دیوار های ضخیم	ضخامت دیوار ها باعث می شود که حرارت آفتاب در طول روز جذب این مصالح شود و برای شب حفظ می شود و با کاهش تبادلی حرارتی دمای داخل خانه حفظ شده و به سهولت از طریق جداره ها منتقل نشود.	
مصالح مصرفی	به طور کلی ایرانیان از آجر، سنگ، چوب استفاده می کردند که استفاده از آجر رواج بیشتری داشت (زگی، ۱۳۸۸) این ویژگی ضمن تامین هماهنگی معماری با محیط اقلیم از نظر حفظ خودکفایی محلی شهرها نقش شایان توجهی ایفا می نموده است (نفی زاده ۱۳۸۷)، استفاده از مصالح قابل بازیافت و تجدید پذیری در پایداری معماری بومی ایران تاثیر گذار است. همینطور ظرفیت بالای حرارتی مصالحی چون آجر و سنگ در کاهش مصرف انرژی موثر است (زگی ۱۳۸۸).	
ابعاد باز شو ها	استفاده از پنجره های سرتاسری با ابعاد بزرگ توصیه نمی شود و استفاده از باز شو هایی با ابعاد و تعداد محدودترالگوی طراحی باز شوه های این اقلیم می باشد.	
چیدمان و جهت گیری	قرار گیری بیشتر اتاق ها و فضاهایی همچون تالار یا اتاق اصلی نشیمن خانه در سمت شمال حیاط مرکزی	

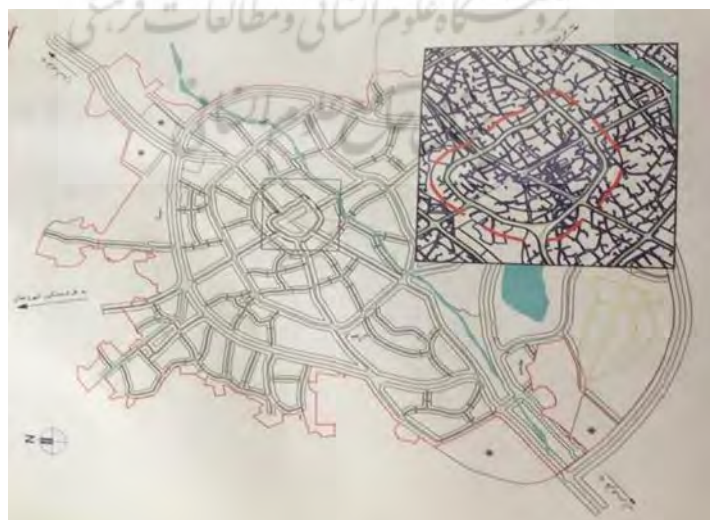
فضاها	<p>به دلیل استفاده از تابش مستقیم و حرارت آفتاب در زمستان است. استفاده کمتر از سمت جنوب ساختمان به دلیل تابستانهای عمدتاً کوتاه و دمای هوای نسبتاً معتدل می باشد و اتاق های شرقی و غربی نیز اکثراً جهت انبار و فضاهای خدماتی مانند اتاق خدمه یا سرویس های بهداشتی مورد استفاده قرار می گیرد. برای جلوگیری از تبادل حرارتی از احجام نظیر مکعب و مکعب مستطیل استفاده می شود و ایجاد اتاق ها و فضاهای بزرگ داخل بنا صحیح نیست، زیرا اولاً سطح تماس آنها با فضای خارج زیاد است و در ثانی گرم کردن فضای وسیع مشکل می باشد (قبادیان، ۱۳۸۹)</p>
-------	--

۲-۲- بافت شهر اردبیل

شهر اردبیل همانطوری که قبلاً اشاره شد در پاره ی منابع با قدمت بیش از ۸ هزار ساله شهرنشینی یکی از اولین مکانهای شهرنشینی در فلات ایران بوده است و این مورد باعث شده که گنجینه از آثار باستانی و هنری و معماری و خصوصاً هویت ها و فرهنگ های بومی مختص این شهر در دل آن انباشته باشد در خصوص این قدمت و گنجینه همین بس که جمعه مسجد اردبیل پا به پا مساجدی مانند تاریخانه دامغان و مسجد امام اصفهان به عنوان یکی از پرستشگاه های کهن ایرانی در شهر اردبیل که پس از ورود اسلام به این کشور تغییر کاربری ایشکده به مسجد را شاهد بوده اند می تواند مدنظر باشد که موجد وجود تاریخی بیش از دو هزار سال در همین بنا را میتوان اشاره نمود که در کشور ایران یکی از بی نظیرترین موارد قابل اشاره میباشد.

بنا به توضیحی که در مورد نام و قدمت شهر آورده شده است، قدمت اردبیل و وجه تسمیه آن فراتر از اعصاری می رود که کالبد شناخته شده شهر شکل گرفته است، چرا که تاریخچه و قدمت اردبیل و یا هر شهر دیگر، باید در جغرافیای آن جست و جو شود. اردبیل در دامنه کوه ساوالان، زادگاه زرتشت و حدافل محل تقریر و تحریر اوستا قرار دارد و از سوی دیگر نام شهر مرکب از دو واژه "آرتا" به معنای مقدس و "ویل" یا "بیل" به معنای مکان و جمعا مکان مقدس است، پس قدمت شهر فراتر از دورانی می رود که نامی از این شهر در داستان ویس و رامین ادبیات داستانی اشکانیان ذکر شده است. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان اردبیل هم در دفترچه راهنمای توریستی چنین بیان می کند: نام اردبیل برای نخستین بار در لوحه های گلی سومریان در پنج هزار سال پیش به صورت آرتا ثبت شده است. (امیری، ۱۳۸۴، ۱۳۳) پس قداست مکانی شهر اردبیل در بافت معماری آن نیز میبایستی نمایش داده شده باشد که بواقع همچنین است و شارع و دسترسی اصلی و هسته اولیه شهر همواره از بنای جمعه مسجد فعلی شروع شده و یا حول آن گشته است و پس از گذر از راسته بازار و گذار از کنار بقعه شیخ صفی الدین اردبیل به سمت شهر تبریز ادامه داشته است و این موجد طراحی معمارانه ی بوده که با احترام به اقلیم همواره مناسبات و مکانهای مقدس در آن مورد توجه بوده اند که در نهایت و پس از تشکیل سه گانه مولفه های شهر اسلامی یعنی توالی جایگاه مذهبی، اقتصادی و حکومتی می باشد.

هسته اولیه شهر در طول تاریخ طویل این شهر همواره متحمل ضرباتی سهمگین چه طبیعی و چه تخریبات انسانی شامل حملات بیگانگان و اشتباهات حکومتی بوده است ولی به جرات میتوان طبق تصویر هسته مرکزی را مکانی مابین سه مولفه مکان های مذهبی و اقتصادی و حکومتی دانست:



تصویر ۲ - هسته مرکزی شهر اردبیل (منبع: امیری، ۱۳۸۴: ۳۷)

اگرچه شکل گیری شهر بر اساس یک سلسله عوامل و قواعد خاص از قبیل طبیعی و سیاسی و اقتصادی است اما ظهور شرایط برای سامان بخشی آن برخاسته از حوادثی است که گاهی به دنبال بنا و توسعه شهر به ظاهر فراموش میشوند. در مورد اردبیل نیز این وضع مصداق دارد، به طوری که حمله اقوام خزر از سمت شمال موجب شده تا در این منطقه یک محدوده استحکامی - دفاعی ایجاد شود و طبعاً هر گونه امر تدافعی و برقراری امنیت نیازمند تامین اسباب و آذوقه اولیه بود که باید در مواقع محاصره و هجوم بیگانگان در دسترس نیروی مدافع باشد. اردبیل با برخورداری از منابع آب - که عمدتاً از طریق رودخانه بالیق لی و باغمیشه و نهر های انشعابی از آنها فراهم میشد - استعداد آن ضرورت را داشته است. به علاوه در زمان جنگ، این مردم - در قالب سپاه و نیروی رزمی - هستند که جان فشانی می کنند و گرنه حاکمان و بزرگان حکومتی اکثراً فکر آسایش و حفظ حکومت و بهره گیری از نعمات آن هستند. لذا به موازات هدف تامین آذوقه، آب و هوای بیلاقی و طراوت منظره و چشم انداز نیز برای حاکمان، مولفه مهمی در نظر گرفته می شد که اردبیل این ویژگی ها را از ابتدا دارا بوده است بنابراین هسته اولیه شهر میان دو رود و توام با بنای بزرگ ارگ حکومتی - که نارین قلعه معروف است شکل میگرد وجود آتشکده در محل بنای جمعه مسجد نیز نشانگر موضع اعتقادی و دیانت حاکمان و مردم وقت بوده است. (امیری، ۱۳۸۴، ۱۳۷)، در نقشه زیر که از اولین مدون تاریخ اردبیل در دست است میتوان قداست بنای جمعه مسجد که در بالاترین قسمت و بصورت یکه و یگانه نگه داشته شده است و اهمیت شهر با توجه به مناطق مهم که هویت های کالبدی و فرهنگی شهر لحاظ میشدند و همچنین بنای بالا قلعه (نارین قلعه) و مجموعه بقعه شیخ سفی و راسته بازار و وجود دیوار های دفاعی در کنار اماکن حساس و ورودی و خروجی شهر بوضوح مشاهده کرد

بافت سنتی اردبیل، قبل از رسوخ مدرنیته در شریانهای شهری که کاملاً ارگانیک و در امتداد سه بخش مهم شهری، مذهبی، اقتصادی و حکومتی بوده و بقعه شیخ صفی یکی از ارکان آن بشمار می آمده است؛ اما اکنون بجز گوشه کناره های کوچه های سنتی که بیشتر به عنوان بافت فرسوده در کالبد شهری مدنظر میباشند پیکره ی نمادین سنتی و بومی خود را از دست داده است و نقش صلیب وار مدرنیته بر پیکره آن بوضوح قابل مشاهده است. این تصویر در مقایسه با شرایط کنونی بیانگر این است که بافت شهری حاضر در بند کمر بندی های اول دوم سوم و طبق القبای معماری شهری غربی جای گرفته است.



تصویر ۳ - بافت سنتی شهر اردبیل (منبع: امیری ۱۳۸۴، ۱۳۸)

۳. شهر اردبیل و وضعیت موجود بافت شهری خصوصاً نمای شهری

همانطور در مطالب پیشین عنوان گردید بافت شهری اردبیل سنتی بمثابة بیشتر شهرهای سنتی کشورمان دارای بافتی ارگانیک و دارای خلاقیت های در خصوص مبارزه و دمسازی با عوامل اقلیم بوده است که در مواردی به عنوان نمونه و انحصاراً دارای عناصری خاص معماری خود میباشد که در دیگر مناطق کشور قابل مشاهده نیستند خصوصاً عناوینی مانند طنبی، بالا خانه، محور های قرارگیری خاص شهر و ... ولی در زمانه کنونی و پس از انقلابات صنعتی و بین المللی و وقوع هشت سال جنگ تحمیلی دفاع مقدس و بلایای طبیعی بیشمار متأسفانه این نقش حکومت و شهروند است که بیشترین صدمه و جریحه را بر پیکره شهر وارد کرده است.

اولین خیابان شهر اردبیل در سال ۱۳۰۷ خورشیدی به مرحله اجرا در آمده و نقشه آن بمثابه بیشتر شهرهای که دور دوره پهلوی اول شاهد تغییراتی بودند، چنان تصویب شد که دروازه تبریز به خط مستقیم به دروازه استارا وصل گردد و از "تاوار قاپوسی" تا "زنجیر قاباغی" خیابان وسیعی بنام پهلوی (امام خمینی فعلی) باز شود و این در شرایطی بود این مسیر قبل از ورود مدرنیته به دست حکومت پهلوی اول به این مکان دارای بافتی کاملا زنده و طبیعی که بدست تجربه های هزاران ساله زندگی انسان محورانه خلق، حفظ و احیا شده بود. پس از آن خیابان باغ ملی در سمت غرب نارین قلعه (ارگ شهر) احداث گردید که محل آن بیشه زاری بود که حصار باغی خوانده می شد و در عکس هوایی مربوط به سال ۱۳۳۷ خورشیدی قابل تشخیص است. نقشه تهیه شده در سال ۱۳۴۶ نشان می دهد که خیابان دیگری در جهت شمال غربی به جنوب شرقی در جهت دروازه های مشگین شهر و خلخال، خیابان شاه (خیابان بهشتی، کاشانی) و خیابان مدوری دور بافت قدیمی شهر و منطق بر مسیر جویی موجود احداث گردید که از مقابل نارین قلعه عبور نموده میدان عالی قاپو را به خیابان بهشتی متصل می نمود.

امروزه با استان شدن اردبیل در توسعه شهر اقدامات زیادی صورت گرفته و سازمان مسکن و شهر سازی و شهرداری با استاندارد های نظام مهندسی به ساخت و ساز های شهر نظارت کامل نموده و با مصالح مدرن از قبیل میلگرد، آهن و بتون و ... مبادرت به ساخت و ساز نموده است و در مراکز شهری و تجاری ساختمان هایی چندین طبقه و پاساژ های زیادی احداث شده است و در سالهای اخیر نیز با گسترش سطح شهری و افزایش جمعیت و پس از تدوین طرح تفصیلی شهر اردبیل به عنوان کلان شهر نیز اعلان گردیده است. در راستای این امر نیز شهرداری با ایجاد فضاهای شهری متعددی از قبیل پیاده راه ها و فضاهای تجمع مردمی مانند منطقه شورابیل و شهیدگاه و میدان عالی قاپو شهر اردبیل به عنوان محلی جهت اجتماعات مردمی و دولت نیز با تشکیل تعاونی های مسکن سعی در حل بحران مسکن نموده است که شهرک های کارکنان دولت از قبیل فرهنگیان کارگران کارخانجات و سایر کارکنان دولتی مبادرت و انجام گرفته است.

با وجود همه این پیشرفتهای شهر سازی ولی متأسفانه این شهر همچنان از نبود بحث شهر سازی معمارانه و در خدمت حل مشکل مردم شهر نشین عمل نکرده و کماکان همان طرحهای تکراری و بدون بن مایه فرهنگی و اجتماعی و فقط بنحوی در جهت اثبات سبک های مدرن غربی ارائه گشته است بدون شک نمی توان جایگاه و توان سبکهای مدرن معماری به نوبت خود و در جایگاه خودشان غافل بود و یا کتمان کرد ولی یک معماری ایرانی که برای شهری در ایران بنا و یا فضای شهری طراحی میکند بمشابه معماران بزرگ همان مکاتب باید احترام به مصرف کننده، شرایط اجتماعی و فرهنگی و همان اصول و روش های معماری خویش را پیش رو گیرند بطور مثال معمار معروف آندره گدار با طراحی بنای یادبودی برای فخر شعر و ادب ایران لسان الغیب حافظ شیرازی نه تنها از مصالح و یا فنون خاص غربی برای طراحی بنا استفاده نکرده است بلکه هنر و معماری ایرانی را در جهت ستودن و احترام به صاحب بنا حافظ شیرازی را به نحو احسن به اجرا در آورده است و بنای کاملا در شأن و قامت حافظ شیرازی بنا نهاده است از این رو باید عنوان کرد در حالی که شهر اردبیل با تاریخی غنی از هنر و قدمت و هویت معماری در هر عملکردی میباشد، یک معماری اردبیلی چرا باید از یک سبک معماری غربی آنهم بصورت تکراری و بدون درک و اندیشه در خصوص مفاهیم و بن مایه ها و مبانی نظری خاص آن که مختص نظریه پرداز و مصرف کنندگان خاصی با فرهنگ، تفکر و نیاز های متفاوت با شهر اردبیل باشد؟

از این موارد در طراحی های کاربری های شهری و منظر شهری زیاد دیده ایم خیابان های بدون توجه به اقلیم، خانه های بدون توجه به فرهنگ، مراکز آموزشی بدون توجه به روابط اجتماعی حال حاضر شهری و یا ساختمانهای که تنها به علت قدمت ساخت و یا ارزش های فرهنگی تبدیل به کاربری های شده اند مانند موزه و یا از آن بدتر نمایشگاهی با عنوانی کاملا ناهمسو با اصلت بنا مانند سفره خانه، هر چند گام های نیز در این خصوص برداشته شده است و منظر شهر از آن حالت کاملا تکرار گونه؛ بمدد شهرداری محترم و استانداری گرانقدر، در حال خروج است و میادینی جهت اجتماع که بتوان نام آن را میدان گفت در حال ساخت و یا استفاده میباشد بمثل منطقه شهید گاه و یا گر ه های دور دریاچه شورابیل ولی بمانند هویت های معماری شهر اردبیل ذهن های که باید برای این شهر طراحی کنند باید اصالت دار مستحکم و کاملا جامعه مدار باشند. (جعفری، سلیمی، ۱۳۹۷، ۶۱-۶۲)

صلیب داغ شده بر کالبد شهر سنتی اردبیل موجب از هم گسستگی کاربری ها و زون های مختلف شهری از جمله اقتصادی، مذهبی و حکومتی شده است و بدنبال تعریفی نوین و مدرن برای جامعه شهری اردبیل بوده است که به دست حکومتهای پیشین رقم خورده است و بمثابه بزرگان سبک مدرن بواقع با شکستی بزرگ مواجه میباشد همانگونه که در دوران کنونی و با توجه به بحرانهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی شاهد آن هستیم، شهری که زمانی به عنوان یکی از مهم ترین مناطق کشوری و جهانی بوده است هم اکنون دارای پایین ترین مراتب اقتصادی، رفاهی و اجتماعی میباشد ولی همچنان و با توجه به داشته های و منابع معنوی و مادی خود منتظر تلنگری برای بازیابی شکوه و عظمت گذشته خویش میباشد.

۴- شهر اردبیل و بافت سنتی موجود و از بین رفته

همانگونه که در مطالب قبلمر عنوان شد شهر اردبیل با توجه به پیشینه خود در دوران کنونی متأسفانه متحمل ضرباتی سهمگین شده است ولی همچنان با توجه به انباشته ها و دارایی های مادی و معنوی خود همواره می تواند امیدوار به بازگشت به دوران طلایی خویش باشد شهر سنتی که از ریشه های خویش که با عنصر نمادینی مانند مسجد جمعه ایشخور بوده و به تنه اقتصادی خویش با عنصر نمادین بازار قد برافراشته و به حیات خویش جانی مستحکم بخشیده است و در نهایت و با عصاره حکومتی به عنوان مجموعه شیخ صفی خود را به جهانیان معرفی کرده است دیگر آن رونق و طراوت سابق را ندارد. اجرای پروژه های پیاده محور که در دوران فعلی به عنوان یکی از سیاستهای شهرداری اردبیل دیده میشود می تواند به عنوان جریانی جدید بر شریانیهای حیاتی شهری عنوان گردد استفاده از پتانسیل های موجود که ترافیک انسانی خصوصاً گردشگران داخلی خارجی یکی از آنها میباشد که خود پسامدی بر وجود عناصر هویتی و فرهنگی و تاریخی و کالبدی شهر اردبیل میباشد که باز هم همان انباشته ی است که در دل این شهر جای دارد.

پیکره ی داغ دار شهر اردبیل که به دست صلیب حکومتی بمثابه خیل عظیمی از دیگر شهرهای سنتی پاره پاره شده و عناصر کالبدی جدای از هم همچنان به حیات خویش، ولی نه مثابه قبل خود، ادامه میدهد به قطع یقین باز هم می تواند نفسی تازه کرده و با اتکای به علوم محیطی و طراحی بروز قامت راست کرده و ادامه روی پیشینیان خویش باشد. وجود منابع غنی محیطی و کالبدی در بافت شهری اردبیل هر چند با از دست دادن پاره های تن خویش همچنان می تواند به عنوان یکی از شهرهای سنتی و دارای قابلیت پیشرفت به کمک هنر طراحی شهری و معماری عنوان گردد، می تواند موجودیتی بالقوه و در استانه فعلیت معرفی گردد.

۵- حس تعلق مکانی

دوران پسا مدرن و گذشت از اصول مدرنیته و تعاریفی در خصوص نیازهای انسانی که اندیشمندان علوم روانشناسی و محیطی و تربیتی بدانها دست یافتند موجد این مهم بود که تنها مباحث اسپیش فیزیکی در یک محیط انسانی برآورده کننده نیازهای اسپیشی و رفاهی انسان نمیباشند این دست یافته ها بدان اشاره داشتند که نیازهای انسانی در هر گروه بندی و دسته بندی و در ذیل یک جمع بندی مختصر می تواند در سه دسته خلاصه شود (هرچند نظریه پردازان بزرگ به دسته های ۷، ۹ و ۱۰ تایی آن را شرح داده اند) الف: نیاز های فیزیکی ب: نیازهای روانی ج: نیاز های روحانی. این دسته بندی موجب شده پای ضمایر خودآگاه و ناخودآگاه نیز در این بین باز شود و دسته بندی های کمتری نیز جایگزین تناسبات تعریف شده و مدول وار دوران مدرنیته قرار گیرد هر چند این تعاریف جدید نیز برای جامعه ایرانی از قبل تعریف شده و دارای سابقه پیشین میبود ولی در دوران معاصر در شهر سازی و معماری ایرانی این موارد نتوانستند بدرستی جایگاه خود را بدست بیاورند. معماران و نظریه پردازان غربی بمانند رابرت ونوری، چارلز جنکس و نظریه پردازانی مانند جان لنگ و کریستین نوربرگ شولتز با ارائه آثار و بیان نظریات خویش سعی در تبیین و تعریف این اصول داشتند که موجد تولد نظریاتی مانند روح مکان شدند. علوم روانشناسی محیط موجد این امر بودند که یک فضا می تواند در انسان استفاده کننده از یک فضا یا مکان در طول مدت زمان طویل موجب ایجاد حس تعلق خاطر و متعلق بودن به یک فضا در آن شخص شود. به بیان جناب دکتر جوان فروزنده این مهم را هرچند که نشود و نخواسته اند با یک بیان معین تعریف کنند ولی وجهی از معانی فضایی در یک شخص را موجد علاقه در استفاده مکرر از فضا میشود را حس تعلق مکانی نامیدند.

یکی از معانی در ارتقاء کیفیت محیط های انسانی، حس تعلق به مکان میباشد. این حس که عامل مهم در شکل گیری پایه های ارتباطی استفاده کنندگان و محیط می باشد، نهایتاً منجر به ایجاد محیط های با کیفیت نیز خواهد گردید، اما نبود تعریف دقیق و مشخص از این حس در رشته های طراحی سبب ایجاد نوعی سردرگمی و بلا تکلیفی طراحان در شناخت و استفاده از عوامل طراحی در جهت ایجاد این سطح معنایی گردیده است (جوان فروزنده، مطلبی، ۱۳۸۹، ۲۸) این معنی نیز از فرایند و تبادل سه عنصر فرد، محیط و دیگران تبلور و نمود می یابد. از این رو جناب دکتر جوان فروزنده عوامل شکل دهنده حس تعلق مکانی را به سه دسته الف: عوامل اداری و شناخت فردی ب: عوامل اجتماعی ج: عوامل محیطی کالبدی معرفی می نمایند و در نتیجه گیری رساله خویش با تاکید بر این سه گانه عوامل تشکیل دهنده به برتری تعلق اجتماعی بر تعلق کالبدی در محیط اذعان داشته اند.

حس تعلق واجد دو بعد کالبدی و اجتماعی است که نتایج، نشان دهنده برتری تعلق اجتماعی بر تعلق کالبدی در محیط میباشد. همچنین بر اساس نتایج بدست آمده، حس تعلق مکانی منطبق بر مدل شکل گیری معنا در محیط (برایند تعامل فرد، دیگران، محیط)، از یک طرف وابسته به مشخصات و ویژگی های فردی شامل، انگیزش ها، شایستگی ها و شناخت افراد نسبت به مکان بوده و از طرف دیگر ریشه در تعاملات اجتماعی و ارتباط فرد و دیگران در محیط دارد که منبعت از نیاز انسانی تعلق به عنوان نیاز اولیه انسانی می باشد. اساساً انسان به دنبال یافتن پاسخ برای نیاز های خود در محیط می باشد و در صورت عدم تامین این نیاز ها از مکان، احساس عاطفی مثبتی بین فرد و مکان بوجود نخواهد آمد. بالعکس، هر چقدر محیط در تامین سطوح مختلف نیاز های انسانی توانا تر باشد به همان نسبت فرد ارتباط خود با محیط را موثر دانسته و نهایتاً معنای استنباطی مثبتی به همراه خود

داشت. هر چقد سطوح تامین این نیاز ها، بر اساس هرم نیاز های انسانی مازلو در قسمتهای فوقانی هرم اتفاق می افتد، به همان نسبت معنای محیطی عمیق تری شکل خواهد گرفت. در درجات بالاتر حس تعلق از محیط، به سمت عوامل احساس - عاطفی که بیانگر عمق ارتباط فرد با محیط می باشد، پیش خواهد رفت. واژه هایی نظیر تعلق به مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان که بیانگر نوعی از در هم تنیگی احساسات و عواطف انسانی نسبت به محیط میباشد. نکته مهم بدست آمده در این مقاله، نقش محیط و ویژگی های کالبدی آن به عنوان وجه سوم مدل معنای مکان، در شکل گیری معنای حس تعلق میباشد. نتایج نشان می دهد عوامل کالبدی محیط در شکل گیری معنای حس تعلق نقش واسطه را ایفا نموده و در دو سطح در محیط موثر واقع می گردند: در سطح اول، عناصر کالبدی محیط با هم سازی فعالیت ها از طریق تامین و قابلیت انجام آن - و با ارضاء نیاز های فردی در درجه اول و نیاز های اجتماعی ناشی از فعالیت های گروهی در درجه دوم - امکان ایجاد این حس در مکان را فراهم می نمایند. در این سطح، ویژگی های کالبدی محیط با تسهیل فعالیت ها، منطبق بر الگو های رفتاری افراد و با تامین نیاز های استفاده کنندگان از مکان، در برقراری تعلق اجتماعی محیط موثر واقع شده و امکان ایجاد و ارتقاء پیوند های اجتماعی در محیط را فراهم می نمایند. نتایج نشان می دهد نمود کالبدی این سطوح در محیط و در رشته های طراحی، منبعث از سه مقوله و ویژگی انسانی در رشته های طراحی محیطی شامل: ادراک، شناخت و احساس افراد می باشد، بر این اساس، ویژگی های کالبدی نظیر فرم (شکل، رنگ و اندازه، بافت و مقیاس) به همراه نوع سازماندهی و روابط بین اجزاء اهمیت پیدا می کنند. در بعد ادراکی و شناخت، عناصر کالبدی از طریق تعریف محدوده و قلمرو، محصوریت فضایی، تمایز کالبدی بین مکان ها، ارتباط بین درون و بیرون در یک مکان، خوانایی و انطباق با الگو های رفتاری، نقش خود را ایفا مینمایند. در بعد احساس نیز با نمود کالبدی سمبلها، نماد های فرهنگی، خاطره ها و تصاویر ذهنی انسان ها خود را نشان می دهند. (جوان فروزنده، مطلبی، ۱۳۸۹، ۳۵).

حس تعلق مکانی که می تواند برخاسته از ارتباط کالبدی و فضایی و نمادین یک اثر باشد نیازمند تعلق مکانی نیز هست؛ یعنی روح مکان تا زمانی که در یک اثر تبلور نداشته باشد و جزئیات زمانی خویش را ارائه نکند نمیتواند واجد و برانگیزاننده ی حس تعلق مکانی برای فرد استفاده کننده از اثر باشد بخاطر همین دلیل میباشد که شهروندان معاصر بجای تعلق خاطر به آثار معماری معاصر علاقه وافر نسبت به استفاده از ابنیه سنتی و قدیمی را دارند زیرا در آنها روح مکان و جزئیات زمانی مربوط به خود اثر را میتوانند براحتی درک کنند و آرزوی تعلق به آن اثر و زمان و مکان را داشته باشند. بنای معاصری که در حال حاضر در گوشه کنار شهر خصوصا در نمای بصری شهر به وفور بچشم میخورد دارای ابعاد کالبدی کاملا مدرن که برخاسته از تفکرات و نظریات فلاسفه و نظریه پردازان غربی میباشد هستند مبانی که در دل یک شهروند بی خبر از نظریات مدرنیستی فاقد ارزش و مفهوم و در بهترین حالت، با خبر از شکستهای مدرنیته هستند، جایی ندارد. سیمای بصری شهری اردبیل در این دوران تنها در اماکنی موفق به جلت رضایت شهروندان شده است که در آنها از طبیعت و انباشته مادی شهر اردبیل کمک گرفته شده است و این باز هم همان تعلق خاطر مکانی را نشان میدهد که در ضمیر ناخودآگاه جمعی شهروند اردبیلی ریشه دارد. خیابان هایی که تنها به ارضاء مسائل اقتصادی یک شهروند مشغول هستند و ضمائر و علایق فردی و اجتماعی، فردی و انسانی شهروند را از یاد برده و به ایفای نقشی به جهت سهولت رفت و آمد ماشین ها بدل گشته است، نمیتواند جوابگوی نیازهای انسانی و احساسی گردد، مگر در اماکنی که در آنها - به نقل از زبان استاد گرانقدر جناب دکتر مسعود یوسفی تذکر - بافتی از جنس تار زمان و پود مکان اتفاق افتاده باشد. بمانند جمعه مسجد اردبیل، بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی یا خانه های سنتی و احیا شده در بافتهای سنتی شهر، یا حداقل ابنیه ی که نشانی از تعلقات مکانی سنتی در آنها وجود داشته باشد.

شهروند سنتی شهر اردبیل که تولد یافته این شهر و دارای روحیاتی متناسب با فرهنگ اردبیلی میبود در محیط و بافتی از شهر حیات ادامه دادند که در نهایت تعامل با بافت و جداره های شهری خصوصا محلات و خانه های خویش بودند. آنان در شهرهای زندگی کردند که در کمال همزیستی با طبیعت و در کنار طبیعت و به کمک طبیعت و در کمک به طبیعت و ذیل عنایات و توجه خداوندی که از دل و جان بدان حس تعلق داشتند زندگی کرده اند، طریقه ی که منتج از تجربه ی هزاران ساله زندگی شهری در یک مکان و رفته رفته و با حذف اضافات و معایب به یک پیوستگی و تناسب انسان واری دست یافته بودند که همگی از دل فرهنگ های بومی و مذهبی خاص خویش برآمده بود این چنین روندی موجب ایجاد حس تعلق مکانی میبوده است که شهروند اردبیل با قدم زدن در دل کوچه ها و راسته ها و خانه ها خویش نیازی برای رجوع به تفکرات بیگانه در خود احساس نمی کرد، متأسفانه سردرگمی تفکرات و تکثر اعتقادات چپ و راست متعدد و ذهن تحت فشار شهروند کنونی قدرت درک و یا تصور این موضوع را از وی گرفته است.

۶. تفاوت های یافت شده در خصوص تمایزات بافت سنتی و معاصر در خصوص سیمای بصری

شهر و ارتباط آن با حس تعلق مکانی شهروندان

در ادامه عرائض این پژوهش و با توجه به عناوین و مطالب عنوان شده در قسمتهای پیشین باید اذعان داشت که دوران کنونی و سنتی شهر اردبیل هر دو دارای روحیات و تمایزات شخصیتی خاص خود هستند که خود این نیز برخاسته از روابط و فرهنگهای اجتماعی خصوصاً اصول مذهبی مردمان خویش است که در کالبد و نمای بصری شهری نیز اثرات خود را بوضوح نمایش داده است و همینطور ارتباط روابط اجتماعی و فردی شهروند با محیط طبیعی و انسان ساخت نیز می‌تواند برانگیزاننده احساس تعلق مکانی باشد پس روابط اجتماعی و فرهنگی یک شهروند زمانی که در کالبد یک اثر معماری شهری نمود و یا انعکاسی داشته باشد می‌تواند موجب حس تعلق مکانی باشد این فرایند در ابنیه سنتی به وضوح مشاهده میشود ولی در دوران کنونی و معاصر متاسفانه معمار این فرایند و رویه را مدنظر نداشته است هرچند در سالهای اخیر و پس از مواجه با چندین شکست در طراحی شهری و معماری به اجبار طراح را رو به توجه به روابط انسانی و اجتماعی و اصول فرهنگی و بومی هر منطقه وا داشته است و شهر اردبیل نیز شاهد برخی پروژه های انسان محور و دارای کالبدی فرهنگی و اجتماعی میباشد.

محیط زندگی انسان تاثیر بسزایی در رفتار و هویت انسان به سمت ارزش های مستتر در خویش دارد در این میان شهر را میتوان محیطی برای تجلی هویت، ارزش های منبعث از اعتقادات، جهانیابی و فرهنگ ساکنین و پدید آورندگان خود دانست. این مفهوم در طول دوران و در سرزمین های مختلف با محیط های طبیعی و انسانی متفاوت و تحت تاثیر تحولات تاریخی و ایدئولوژیکی، تغییرات بسیاری به خود دیده است. به ویژه تحت تاثیر تحولات مدرنیته، تغییر فرایند یافته است به گونه ای که بسیاری از عناصر و اجزای شهر کهن در آن رنگ باخته اند (موحد و همکاران، ۱۳۹۱، ۳۸) شهر ها و فضای شهری در گذشته از استقلال و شخصیت و هویت ویژه ای برخوردار بوده اند. در حالیکه اغلب شهر های امروزی که در ذهن عموم شکل گرفته است، جز مجموعه ای از ساختمان های بلند، خیابان های شلوغ، ادارت و پارکها نیست که در نتیجه آن تعلق خاطر به این فضا ها به مرور کمتر و کم رنگ تر می شود (مقدم، ۱۳۸۶) در شهرهای گذشته رنگ های طبیعی مصالح محلی که بنا ها بوسیله آن ساخته می شد به شهر چهره ای هماهنگ و همگون می داد و با روحیه اقلیم و فرهنگ مردم نیز بیشتر تطبیق میکرد. به این ترتیب رنگ هر شهر جنبه ای از هویت آن محسوب می شد (بهزاد فر، ۱۳۸۶، ۶۲) در این میان " بحران هویت " به مثابه عارضه شهرنشینی لجام کسبخته و فاقد کنترل به یکی از مهم ترین چالش های اجتماعی و فرهنگی معاصر بدل شده و انعکاس کالبدی آن بصورت شهر های بی هویت و آشفته ظاهر شده است. (آفتاب، علیپور، ۱۳۹۴، ۴۷) جناب دکتر آفتاب و مهندس علیپور در پژوهش خویش در خصوص تاثیر سیمای بصری شهر بر رفتار شهروندان شهر اردبیل به نتایجی جالبی دست یافتند که در ذیل بدانها اشاره خواهد شد: همانطور که در جدول شماره ۱ مشهود است ارزیابی سیمای بصری شهر از دید کارشناسان و اساتید در محدوده مورد مطالعه به این صورت است که ۵/۶٪ وضعیت سیمای شهر را بسیار بد، ۳۵/۲٪ ب، ۲۱/۱٪ متوسط و ۸/۵٪ پاسخگویان کیفیت سیمای شهر را خوب ارزیابی کرده اند به عبارت دیگر ۵۸ درصد از پرس شوندگان وضعیت فعلی سیمای بصری شهر اردبیل را بد و بسیار بد توصیف کرده اند.

جدول ۳- ارزیابی سیمای بصری شهر از دید کارشناسان (منبع: آفتاب، علیپور، ۱۳۹۴، ۵۴)

شرح	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بسیار بد	۴	۸	۸
بد	۲۵	۵۰	۵۸
متوسط	۱۵	۳۰	۸۸
خوب	۶	۱۲	۱۰۰
کل	۵۰	۱۰۰	-

سیمای شهری مطلوب (تصویر ذهنی شهروندان از یک شهر) در یک رابطه دو سویه، میان میزان ادراک یک شهروند و منظر شهری مطلوب شکل میگرد افراد هنگام حرکت در شهر، سیمای شهر را درک می کنند و با آن تماس مستقیم دارند. در این رابطه خوانایی نظم شهری، به لحاظ بصری تصویر ذهنی روشنی در افراد ایجاد کرده و به نوعی حس هویت، امنیت و لذت و فهم از شهر و علاقه به آن را افزایش داده و این حس تعلق رابطه آنها به شهر را بهبود می بخشد در واقع با شهر سازی و طراحی شهری موفق، تصویر ذهنی قوی تری در شهروندان ایجاد می شود و این تصویر، تعامل مردم با محیط را به نحو مطلوب تری فراهم می آورد. مسئله توجه به سیمای شهری، فقدان آن و کوشش در شناسایی و به وجود آوردن آن از جمله یک از مهم ترین مشکلات شهر است. نتایج پژوهش بیانگر عدم رضایت اکثر کارشناسان و اساتید دانشگاه از سیمای شهر میباشد بطوریکه ۵۸ درصد از پرسش شوندگان وضعیت فعلی سیمای بصری شهر اردبیل بسیار بد و بد توصیف کرده اند که این مسئله بر شدت وخامت اوضاع تاکید کرده و توجه جدی متولیان شهر را به این موضوع را دو چندان می کند. در بحث تعیین میزان ضریب همبستگی بین سیمای بصری شهر ب متغیر های مورد مطالعه، نتایج حاکی از آن است که بین سیمای بصری شهر و آرامش شهری رابطه معنا داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد به اثبات رسید ولی این موضوع در مورد سایر متغیر ه صادق نبوده است؛ اما جا دارد به این مسئله اشاره گردد که سایر

متغیرها در این پژوهش رابطه معنا داری را باهم نشان دادند از تحلیل نتایج رگرسیون چند متغیره می توان نتیجه گرفت که شاخص های سیمای بصری شهر بیشترین تاثیر را با ۵۳۳٪ بر آرامش شهروندان و کمترین را با ۱۲۸٪ بر جهت یابی شهری داشته است. آنچه که با بررسی این پژوهش بدست آمد موید این مطلب است که آنچه شهروندان از سیمای بصری شهر اردبیل انتظار دارند به ترتیب تامین آرامش و امنیت، جلوگیری از بروز وندالیسم و کمک در جهت یابی است. به دیگر سخن تامین روشنایی و نور کافی می تواند به عنوان یکی از مولفه های سیمای بصری امنیت را برای شهروندان اردبیل به ارمغان آورد. همچنین برای رسیدن به آرامش در شهری همچون اردبیل، به اعتقاد کارشناسان شهری، استفاده از رنگ های شاد و متنوع می تواند ابزاری مفید فایده باشد. دیگر یافته این پژوهش بیانگر این مورد است که وجود زباله در معابر و خیابان ها و در معرض دید عموم، منجر به بروز رفتار های ناهنجار و غیر شهروند مدارانه خواهد بود و به این طریق بروز وندالیسم در شهر افزایش خواهد یافت؛ بنابراین ضرورت دارد به منظور دستیابی به احساس امنیت، به منظر شهری به عنوان اولین سطح تماس شهروندان با محیط که از دریچه نگاه بصری صورت میگیرد توجه ویژه ای داشت. (آفتاب، علیپور، ۱۳۹۴، ۵۴) با توجه به نظریات جناب دکتر آفتاب باید عنوان داشت رابطه بین سیمای شهر و شهروند بسیار ملموس تر از این است که مورد توجه واقع نشود یعنی در طراحی کی اثر معماری هرچند با لحاظ کردن علوم سازه ی و عملکردی بروز انجام گردد و نگاه نظاره گر شهروندان مدنظر نباشد آن اثر محکوم به شکست میباید.

سیمای شهری به عنوان هویت شهر می تواند قلمداد گردد این موضوع در شهرهای سنتی با ابنیه خاص نسبت به شهر و حتی رنگ و بوی فضای شهری و حتی صدا های شنیده شده در بافت داخل شهرها میتوانست بوضوح لمس شود و موجد شناخت و اصالت و وجه تمایز شهرهای مختلف گردد ولی در دوران معاصر و با جهان شمول شدن مصالح و روشهای طراحی این ممکن دیگر قابل استناد نیست و براحتی میتوان سیمای بصری شهری در غرب را در شهر های شرقی مشاهده نمود شهر اردبیل نیز تا چند ده سال قبل دارای وجه تمایز کالبدی و عناصر شهری مختص خود بود ولی در دوران معاصر این روند رو به نزول داشته است و تنها در پاره ای موارد نسبت به یاری گرفتن از ابنیه سنتی روی آورده است که خود آن نیز نمیتواند نتیجه در خصوص خوانش زمانی و مکانی شهر اردبیل داشته باشد.

۷- نتیجه گیری

در خصوص نتیجه گیر و جمع بندی مطالب عنوان شده و در پاسخگویی به سوال پژوهش و ارائه پیشنهادات در خصوص عنوان پژوهش باید اذعان داشت حس تعلق مکانی به عنوان برابندی از تاثیرات کالبدی و فضایی یک اثر معماری بر استفاده کنندگان آن میباشد و می تواند به عنوان وجه تمایز یک اثر معماری موفق و جاودانه با یک اثر مهندسی بدون روح بیان شود یک شهروند در دوران معاصر در نبود این حس تعلق روحی و شخصیتی که بر خاسته از بافت مکانی و جان زمانی آن میباشد روی بر ابنیه تاریخی نهاده و از آنها این حس تعلق و امنیت را بازخورد میگیرد و بدان های احترام میگذارد و بخاطرشان کیلومتر ها و روز ها در سفر است تا از این شهر به شهر دیگر برود. بافت شهر سنتی اردبیل با بافت و سیمای معاصر خویش همخوانی و همگنی محسوس داشته است بصورتی که شهروند سنتی بدون احساس نیاز به وارد کردن مبانی تفکری و کالبدی خاصی و دیگری در کنار ابداع روشهای جدید که برخاسته از تفکرات و ذهنیات بومی و فرهنگی خویش بوده، در بافت شهری و سیمای شهری خویش تبلور نیاز ها و روابط اجتماعی خویش را می دیده است و در این خصوص در سالهای آتی و در انجام طراحی های دیگر خود همین روند را مورد توجه و مدنظر قرار داشته است.

سیمای شهری معاصر و دوران کنونی شهر اردبیل با توجه به گسست ها و هجمه های فرهنگی و مبانی غربی دارای ناخوانایی و نا همگونی در بافت و سیمای شهری خود میباشد و این مهم موجب عدم علاقه و حس تعلق شهروند معاصر بدان شده است هرچند در سالهای اخیر طراحی بعضی پروژه های شهری چه در شهر اردبیل و چه شهر دیگر که با در نظر گرفتن فضای طبیعی و اجتماعی شهروندان همراه بوده است توانسته است نویدی در خصوص التیام روش های طراحی معاصر در آثار معماری گردد.

منابع

۱. شهبازی شیران، حبیب (۱۳۷۲). جغرافیای اردبیل، جلد اول. آرتا، اردبیل
۲. امیری، پیمان، (۱۳۸۴)، در جستجوی هویت شهری اردبیل، نشر وزارت مسکن. شهر سازی، تهران
۳. اکبری، طاهره، طالبی، مهناز، ۱۳۹۵، بررسی راهکارهای اقلیمی کاهش مصرف انرژی در معماری خانه های سنتی اقلیم های سرد و کوهستانی (نمونه موردی خانه های صادقی و میرفتاحی اردبیل) (دومین کنفرانس بین المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز، مرکز مطالعات راهبردی معماری و شهرسازی
۴. قبادیان، وحید (۱۳۸۹) بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران
۵. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷) شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)، چاپ اول انتشارات مانی، اصفهان
۶. زکی، محمد حسین (۱۳۸۳)، هنر ایران در روزگار اسلاکی، ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی، انتشارات صدای معاصر، تهران
۷. جعفری، بهرام، سلیمی، مهدی (۱۳۹۷) سیری بر نمود هویتی و تاریخی معماری سنتی شهر اردبیل و نمونه گسست های هویتی در معماری معاصر آن، فصلنامه علمی تخصصی معماری شناسی، سال اول شماره ۴ دی ماه
۸. جوان فروزنده، علی، مطلبی، قاسمی، (۱۳۸۹) مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، نشریه علمی تخصصی هویت شهر، شماره هشتم، سال پنجم، دوره بهار و تابستان
۹. موحد، علی، شعاهی، علی، زنگانه، ابوالفضل، (۱۳۹۱) بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی مطالعه موردی: شهر ری، فصلنامه علمی تخصصی برنامه ریزی منطقه ای سال دوم شماره ۵
۱۰. مقدم، غلامرضا، عسگری مقدم، رضا (۱۳۸۶) نقش و جایگاه هویت محله ای در توسعه پایداری شهری، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران
۱۱. افتاب، احمد، علیپور، ابراهیم (۱۳۹۴) بررسی و تحلیل رابطه بین سیمای بصری شهر و رفتار شهروندان مطالعه موردی: شهر اردبیل، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیایی سرزمین، سال دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی